

بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۱۸ تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۴/۷

غلام‌رضا مصباحی مقدم*
محمد صفری**

چکیده

یکی از اصول پذیرفته‌شده در علم مدیریت مالی، درآمد بیشتر در گرو تحمل ریسک بیشتر است. مقاله پیش‌رو در پی بررسی این اصل در حوزه سرمایه‌گذاری از دیدگاه آموزه‌های اسلامی است. از این‌رو ابتدا با تعریف ریسک، بیان اقسام و اهمیت آن و با استناد به آیه‌ها و روایت‌ها و سیره عقلا به بررسی اصل پذیرش ریسک به وسیله اسلام می‌پردازد.

در ادامه مقاله پیش‌رو ریسک‌های مورد قبول اسلام را مدنظر قرار می‌گیرد. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت با توجه به آموزه‌های اسلامی تحمل ریسکی قابل قبول است که اولاً مفید، ثانیاً مولد و ثالثاً قابل کنترل باشد. سرانجام در بخش پایانی با استدلال ارزش‌دار بودن و قیمت‌گذاری ریسک در فرایند تولید، ضمانت‌نامه‌های بانکی و قرارداد بیمه و با بهره‌گیری از روش تحقیق تحلیلی استنباطی چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً ریسک مفید، مولد و قابل کنترل در فقه امامیه ارزش داشته و تحمل‌کننده آن مستحق دریافت مابه‌ازا است و ثانیاً هر کس ریسک بیشتری متحمل شود، می‌تواند مستحق دریافت درآمد بیشتری باشد.

واژگان کلیدی: ریسک، بازده، سرمایه‌گذاری، تولید، ضمانت، ضمانت‌نامه بانکی، بیمه، فقه امامیه.

طبقه‌بندی JEL: D81, Z12, G11, G12.

Email: ghmesbahi@yahoo.com.

*. دانشیار دانشگاه امام صادق (ع).

Email: m.safari@isu.ac.ir.

** . دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

همه مدیران با فراگرد تصمیم‌گیری سروکار دارند زیرا حرفه آنان چنین اقتضا می‌کند. در حقیقت تصمیم‌گیری و مدیریت را می‌توان مترادف دانست زیرا تصمیم‌گیری جزء اصلی مدیریت است. به همین علت شناخت فراگرد گرفتن تصمیم اهمیت بسیار دارد (رضاییان، ۱۳۸۵: ۱۳۴). تصمیم‌گیری‌ها بسته به میزان در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز در چهار وضعیت اطمینان کامل (Certainty)، ریسک (Risk)، عدم اطمینان (Uncertainty) و ابهام (Ambiguity) صورت می‌گیرند. در وضعیت اطمینان کامل، تصمیم‌گیرنده تمام اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری را در اختیار دارد. در وضعیت ریسک گرچه اطلاعات به‌طور کامل موجود نیست اما میزانی از اطلاعات برای تخمین تابع احتمال نتیجه موجود است. در شرایط عدم اطمینان تصمیم‌گیرنده هدف را می‌داند اما اطلاعات در دسترس برای تصمیم‌گیری کافی نیست و همچنین نمی‌تواند برای نتیجه، تابع احتمال تهیه کند. در وضعیت ابهام که سخت‌ترین وضعیت تصمیم‌گیری است، هدف‌ها غیرواضح هستند و اطلاعات مورد نیاز در دسترس نیستند (Daft & Marcic, 2008: 199-201). در این میان بیشتر تصمیم‌های مدیریتی در وضعیت ریسک گرفته می‌شوند (Lussier, 2008: 90). تصمیم‌گیری با توجه به نوع سازمان، وضعیت درونی و بیرونی سازمان و ... در مسائل گوناگون بروز پیدا می‌کند. یکی از زمینه‌هایی که تقریباً تمام مدیران با آن سروکار دارند، امور مالی و تصمیم‌گیری‌های مالی است. از این‌رو نوشته پیش‌رو بیشتر به این حوزه از مسائل مدیریتی پرداخته و بر تصمیم‌گیری‌های مالی و سرمایه‌گذاری در وضعیت ریسک متمرکز می‌شود.

یکی از اصول اساسی علم مدیریت مالی این است که درآمد بیشتر در گرو تحمل ریسک بیشتر است (Merna & Al-Thani, 2008: 146). چه‌بسا بسیاری از مدیران مالی سازمان‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، سبدهای سهام و به‌طور کلی تمام افرادی که با تصمیم‌گیری‌های مالی سروکار دارند، این اصل را در عالم واقع نیز تجربه کرده باشند. بر اساس این اصل پذیرفته‌شده مالی بسیاری نظریه‌ها و مدل‌ها توسعه یافته‌اند که از مشهورترین آنها می‌توان به نظریه بازار سرمایه (Capital Market Theory (CMT) و مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (Capital Asset Pricing Model (CAPM) اشاره کرد. بر اساس مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، هر سرمایه‌گذاری که ریسک

بیشتری تحمل کند، درآمد بیشتری نیز نصیب وی می‌شود (Jones, 2002: 539). از دیگر گواه‌هایی که می‌توان در تأیید اصل «درآمد بیشتر در گرو تحمل ریسک بیشتر است» به آن اشاره کرد، نرخ بازده مورد انتظار سهام عادی در مقایسه با نرخ بازده مورد انتظار از اوراق قرضه و سهام ممتاز است. صاحبان سهام عادی به علت پذیرش ریسک بیشتر انتظار بازده بیشتری نیز دارند. به این دسته از سهامداران «صاحبان سهام پسماند» (Residual shareholders) نیز گفته می‌شود؛ به این علت که هنگام ورشکستگی شرکت دارایی‌های باقیمانده ابتدا به اعتباردهندگان مانند وام‌دهندگان و دارندگان اوراق قرضه و در مرحله بعد به صاحبان سهام ممتاز و سرانجام اگر از دارایی‌ها چیزی باقی بماند به صاحبان سهام عادی تعلق می‌گیرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود صاحبان سهام عادی در مقایسه با صاحبان سهام ممتاز و دارندگان اوراق قرضه ریسک بیشتری را متحمل می‌شوند و از این‌رو است که تقاضای بازده بیشتری نیز دارند (Friedlo & Plewa, 2006: 80).

در مقاله پیش‌رو بنا داریم به بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دید آموزه‌های اسلامی بپردازیم. به عبارت دیگر پرسش تحقیق عبارت است از اینکه «آیا درآمدی که به تحمل ریسک در سرمایه‌گذاری تعلق می‌گیرد از دیدگاه اسلام صحیح است؟». برای تبیین این پرسش باید گفته شود که اغلب تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بر اساس بده - بستان ریسک و بازده (Risk-Return Trade Off) گرفته می‌شوند. به این ترتیب که سرمایه‌گذاری که فقط بازدهی بالا یا ریسک پایین داشته باشد، از دید سرمایه‌گذار عقلایی، سرمایه‌گذاری مناسب تلقی نمی‌شود بلکه هر سرمایه‌گذار بسته به میزان ریسک، بازدهی متناسب با آن را طلب می‌کند. معیاری که به‌طور معمول برای ارزیابی سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود، بازده تعدیل شده بر اساس ریسک (Risk-Adjusted Return) است. در اینجا بیان تمایز بین دو متغیر «بازده واقعی» و «بازده مورد انتظار» ضرور است. نرخ بازده واقعی در سرمایه‌گذاری، نرخ بازدهی است که اتفاق افتاده اما نرخ بازده مورد انتظار، نرخ بازدهی است که سرمایه‌گذار احتمال می‌دهد به وقوع بپیوندد و محاسبه آن بر اساس تابع احتمال صورت می‌گیرد. آنچه در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بسیار اهمیت دارد، نرخ بازده مورد انتظار است چرا که ارزش هر سرمایه‌گذاری برابر با میزان جریان‌های نقدی آتی آن سرمایه‌گذاری است و برای محاسبه ارزش فعلی عایدات آتی ناگزیر از تنزیل آنها هستیم.

نرخ تنزیلی که برای ارزیابی هر سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود، بازده مورد انتظار از آن سرمایه‌گذاری نامیده می‌شود؛ به طور مثال در ارزش‌گذاری سهام یا اوراق بدهی برای تنزیل جریان‌های نقدی آتی از نرخ بازده مورد انتظار استفاده می‌شود و بر اساس ارزیابی پیش‌گفته درباره خرید، فروش یا نگهداری اوراق بهادار اقدام می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، تصمیم‌گیری در وضعیت ریسک به این معنا است که دست‌کم یکی از مشاهدات، تابع احتمال داشته باشد و از آنجا که بازده مورد انتظار نیز بر اساس تابع احتمال محاسبه می‌شود، می‌توان گفت که تصمیم‌های سرمایه‌گذاری که بر اساس نرخ بازده مورد انتظار گرفته می‌شوند، تصمیم‌گیری‌هایی در وضعیت ریسک هستند. حال پرسش این است که آیا تصمیم‌گیری در حوزه سرمایه‌گذاری و به طور اخص در ارزش‌گذاری دارایی‌های مالی بر اساس ریسک و در نتیجه کسب درآمد از این بابت از دیدگاه آموزه‌های اسلامی صحیح است؟

مقاله پیش‌رو ابتدا با مروری بر تعریف ریسک و اقسام آن، به تبیین اهمیت ریسک در زندگی انسان و به‌ویژه تصمیم‌های اقتصادی می‌پردازد. در ادامه با بهره‌گیری از شاهد مثال‌های قرآنی و روایی به بررسی اصل پذیرش ریسک از دیدگاه اسلام اشاره کرده و ریسک‌های مورد قبول اسلام را از دیگر اقسام ریسک احصا می‌کند. در پایان با تبیین ارزش بازاری ریسک و تمرکز بر ارزش نهاده ریسک در تولید، عقودهای ضمانت و بیمه به بررسی دیدگاه فقه شیعه درباره درآمد حاصل از تحمل ریسک می‌پردازد.

روش تحقیق در این نوشتار، از نوع تحلیلی، استنباطی است. در این نوع روش تحقیق به دنبال توصیف نظام‌مند موقعیت یا زمینه مورد علاقه با دقت و حفظ عینیت موضوع هستیم (خاکی، ۱۳۸۴: ۷۳). بنابراین ابتدا به توضیح و تبیین مفهوم ریسک و درآمد حاصل از آن پرداخته و سپس با مطالعه قرآن کریم، متون روایی، فقهی و بهره‌گیری از سیره عقلا به تطبیق، توصیف و تبیین ارائه شده از درآمد حاصل از تحمل ریسک با آموزه‌های اسلامی می‌پردازیم.

بررسی پیشینه تحقیق

بررسی تصمیم‌گیری در وضعیت عدم اطمینان کامل ذهن بسیاری از اندیشه‌وران را به خود معطوف ساخته است اما در این میان، مطالعه‌هایی که به بررسی تصمیم‌گیری در وضعیت عدم اطمینان با رویکرد اسلامی پرداخته‌اند بسیار اندک هستند.

عبدالفتاح یاغی با مطالعه بر روی نه مؤسسه غیرانتفاعی مسلمان، مسیحی و هندو در امریکا اثر آموزه‌های مذهبی را بر تصمیم‌گیری افراد در وضعیت عدم اطمینان بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های تحقیق پیش‌گفته ارزش‌های مذهبی در سطح سازمان باعث پدیدآمدن فرهنگ سازمانی شده فراگرد تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Yaghi, 2008: 24).

سامی ابراهیم السویلیم در تحقیقی تحت عنوان تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان؛ با رویکردی اسلامی به بررسی دیدگاه اسلام درباره تصمیم‌گیری در وضعیت عدم اطمینان پرداخته و با تفکیک قائل‌شدن بین ریسک و شانس چنین نتیجه‌گیری می‌کند که گرچه اسلام با شانس و قمار مخالف است اما با ریسک و تحمل آن و در نتیجه دریافت پاداش موافق است (Iqbal & Liewellyn, 2002: 15-30).

شهید صدر علیه السلام در کتاب *اقتصادنا* با مطرح کردن ریسک به عنوان پدیده موجود در اقتصاد، در بحث از نهاده‌های تولید به بررسی آن پرداخته و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که چون ریسک از نهاده‌های تولید شمرده نمی‌شود درآمدی هم نباید از بابت تحمل آن به شخص پذیرنده ریسک تعلق گیرد (صدر، ۱۳۵۷: ۲۵۹-۲۵۷).

فطانت و حسین‌زاده‌بحرینی هر کدام در تحقیق‌های جداگانه‌ای به نقد نظر شهید صدر علیه السلام درباره ریسک پرداخته‌اند. حسین‌زاده‌بحرینی در تحقیق خود تحت عنوان بررسی فقهی و اقتصادی سود تضمین شده (علی الحساب) در سیستم بانکداری بدون ربا، نقش مخاطره در اقتصاد اسلامی را مورد بحث قرار داده و نشان داده است که در مکتب اقتصادی اسلام نیز، نهاده مخاطره‌پذیر به عنوان یکی از نهاده‌های تولید مورد توجه قرار گرفته است. کاری که در تحقیق پیش‌گفته انجام شده، ارائه و تنظیم شواهدی از متون فقهی (به شیوه شهید صدر علیه السلام در کتاب *اقتصادنا*) برای نشان‌دادن نقش مخاطره از دیدگاه اقتصاد اسلامی است (حسین‌زاده‌بحرینی، ۱۳۷۴: ۸۱ - ۲۶).

فطانت نیز در تحقیق خود تحت عنوان *ارزش زمانی پول از دیدگاه مدیریت مالی و فقه جعفری*، با نقد نظر شهید صدر علیه السلام چنین نتیجه‌گیری می‌کند که می‌توان ریسک را به صورت یکی از اجزای علت تامه در جایگاه سرچشمه درآمد تلقی کرد (فطانت، ۱۳۷۶: ۱۵۹ و ۱۶۰). همان‌طور که مشاهده می‌شود، در هیچ‌کدام از مطالعه‌های پیش‌گفته به‌طور آشکار به پرسش تحقیق پیش‌رو، پاسخ داده نشده است. از این جهت بررسی تناسب درآمد حاصل از پذیرش ریسک با میزان ریسک تحمل شده از دید آموزه‌های اسلامی تحقیقی نو و بایسته است.

تعریف ریسک

واژه‌نامه آکسفورد، ریسک را به امکان وقوع پیشامدی زیان‌بار در آینده ترجمه کرده است (Hornboy & Wehmeier, 2005: 1313). واژه‌نامه مدیریت مالی نیز ریسک را به وضعیتی ترجمه کرده که در آن وقوع پیشامدها احتمالی است یا به عبارت دیگر در چنین وضعیتی پیشامدها توزیع احتمال دارند. همچنین این واژه‌نامه مهم‌ترین منبع ریسک را عدم اطمینان درباره وضعیت اقتصادی آینده می‌داند (Abrol & Sharama, 2003: 892 - 893). ریسک در زبان چینیان با دو علامت تعریف می‌شود که اولی به معنای خطر و دومی به مفهوم فرصت است. به عبارت دیگر ریسک، ما را با وضعیتی مرکب از خطر و فرصت روبه‌رو می‌سازد و شاید این تعریف را بتوان از جمله کامل‌ترین تعریف‌های ریسک شمرد چرا که نه تنها در دنیای سرمایه‌گذاری بلکه جهان طبیعت نیز تهدیدها و فرصت‌ها را در کنار یکدیگر قرار داده است و موجودات به مقتضای سطح شعور و آگاهی‌های خود از این فرصت‌ها در کنار شناخت تهدیدها استفاده می‌کنند (راعی و سعیدی، ۱۳۸۷: ۴۶). همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، ریسک در حوزه سرمایه‌گذاری مربوط به جریان‌های نقدی آتی هر سرمایه‌گذاری است. ریسک سرمایه‌گذاری، احتمال وقوع بازده واقعی به غیر آنچه که انتظار می‌رود، است؛ بنابراین هر اندازه تغییرپذیری نتیجه‌ها بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری، ریسک‌دارتر خواهد بود (راعی و تلنگی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

اقسام ریسک

ریسک اقسام گوناگونی دارد. به عبارت بهتر می‌توان گفت رویکردهای متفاوتی درباره ریسک وجود دارد، به این معنا که اگر ریسک را به عنوان یک پدیده مورد بررسی قرار دهیم، از بُعدهای گوناگون می‌توان به آن نگاه کرد.

ریسک مفید و غیرمفید

ریسک را همچون کار می‌توان به دو گونه مفید و غیرمفید تقسیم کرد. ریسک مفید به ریسکی اطلاق می‌شود که تحمل آن نزد عقلا پسندیده شمرده شود، به عبارت دیگر پیامدهای پذیرش ریسک مفید، پیامدهایی ارزشمند برای فرد پذیرنده آن است. در حالی که پیامدهای ریسک غیرمفید، نه تنها ارزشمند نیستند بلکه عبث و بیهوده تلقی می‌شوند؛ به‌طور

مثال ورزش، امری پسندیده است و از آنجا که هدف ورزشکار حفظ سلامت و تندرستی است، اگرچه در راه انجام ورزش ریسک هم متحمل شود، تحمل این ریسک امری پسندیده شمرده می‌شود. به طو دقیق عکس وضعیت پیش‌گفته در سرگرمی‌های بیهوده رایج در برخی کشورهای غربی مشاهده می‌شود؛ به‌طور مثال گاو‌بازی نیز مانند ورزش، امری است که در آن گاو‌باز جان خود را در راه رسیدن به هدف به خطر می‌اندازد اما تحمل چنین مخاطره‌ای به هیچ عنوان در نزد عقلا پسندیده شمرده نمی‌شود.

ریسک مولد و غیرمولد

ریسک مولد، ریسکی است که متضمن ارزش افزوده است در حالی که ریسک غیرمولد، ریسکی فاقد ارزش افزوده است. سرمایه‌گذاری در پروژه اکتشاف معدن، متضمن نوع اقتصادی ریسک است. در حالی که شرکت در جلسه قمار که آن هم نوعی به خطر انداختن مال به امید کسب مال بیشتری است پذیرش ریسک غیراقتصادی یا غیرمولد شمرده می‌شود.

ریسک قابل کنترل و غیرقابل کنترل

ریسک قابل کنترل (Controllable or responsive risk) می‌تواند به‌وسیله تصمیم‌گیرنده کنترل شود یا تحت تأثیر قرار گیرد در حالی که تصمیم‌گیرنده در ریسک غیرقابل کنترل (Uncontrollable risk or chance) هیچ‌گونه کنترلی بر ریسک ندارد. به ریسک قابل کنترل، ریسک واکنشی و به ریسک غیرقابل کنترل، شانس نیز گفته می‌شود؛* به‌طور مثال اگر خطر «به سرقت رفتن خودرو» را برای دارنده آن نوعی ریسک در نظر بگیریم، ریسک پیش‌گفته، خود به دو بخش قابل تقسیم است؛ صاحب خودرو با رعایت کردن موارد ایمنی مانند: استفاده از قفل، دزدگیر و ... می‌تواند خود را در برابر قسمتی از ریسک سرقت پوشش دهد. چنین ریسکی، ریسک قابل کنترل نامیده می‌شود اما چنانکه همین خودرو پس از رعایت موارد ایمنی باز با خطر سرقت روبه‌رو باشد، چنین ریسکی، ریسک غیرقابل کنترل نامیده می‌شود چرا که صاحب خودرو به اعمال هیچ‌گونه

* در نظریه مدرن پرتفوی (Modern Portfolio Theory (MPT)) نیز از این دو نوع ریسک نام برده شده است. نظریه پیش‌گفته ریسک قابل کنترل را ریسک غیرسیستماتیک و ریسک غیرقابل کنترل را ریسک سیستماتیک می‌نامد. اگرچه این تقسیم‌بندی نیز در چارچوب نظری خود صحیح است اما منظور از ریسک قابل کنترل و غیرقابل کنترل در مقاله پیش‌رو اعم از تعریف ارائه‌شده در این نظریه و تعریف‌های مشابه است.

کنترل و تأثیری بر روی این ریسک قادر نیست.

ریسک مالی و غیر مالی

ریسک مالی پذیرش مخاطره در امور مالی است، در حالی که ریسک غیرمالی پذیرش خطر جانی، اجتماعی، امنیتی و... است؛ به طور مثال هنگامی که کارفرما سرمایه خود را به امید کسب سود به خطر می‌اندازد با ریسک مالی روبه‌رو است، در حالی که کارگر برای رسیدن به دستمزد، سلامتی خود را به مخاطره می‌افکند و با ریسک غیرمالی روبه‌رو است. در بخش بعد و پس از بیان ریسک‌های مورد قبول اسلام، منظور از ریسک موردنظر در نوشتار حاضر را در چارچوب اقسام پیش‌گفته بیان خواهیم کرد.

اهمیت ریسک

تصمیم‌گیری‌های انسان نوعاً با محدودیت در اطلاعات همراه است. جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری مؤثر بسیار مهم است. با این وجود به علت محدودیت‌های موجود در ظرفیت‌های شناختی انسان، پردازش صحیح تمام اطلاعات اغلب دشوار است (Cook, Noyes & Masakowski, 2007: 45). از آنجا که این قبیل محدودیت‌ها باعث افزایش سطح ریسک می‌شود و با توجه به اینکه اثربخشی در تصمیم‌گیری اهمیت ویژه‌ای دارد، تعیین سطح ریسک و مدیریت آن برای فرد تصمیم‌گیرنده مهم و ضرور است. پدیده ریسک یکی از کلیدی‌ترین مشخصه‌های شکل‌گیری تصمیم در حوزه سرمایه‌گذاری، امور مربوط به بازارهای مالی و انواع فعالیت‌های اقتصادی است (Durlauf & Blume, 2008: 190). در بیشتر کتاب‌های اقتصادی از سه عامل کار، زمین و سرمایه به عنوان نهاده‌های اصلی تولید نام برده می‌شود. به این معنا که برای تحقق تولید، باید از وجود سه عامل پیش‌گفته اطمینان حاصل کرد اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا با اجتماع این سه عامل لزوماً تولیدی اتفاق خواهد افتاد یا خیر؟ با کمی تأمل می‌توان چنین پاسخ داد که اجتماع این سه عامل شرط لازم برای تولید است اما شرط کافی در فرایند تولید چیزی جز عامل ریسک نیست. به عبارت دیگر چنانکه کار، سرمایه و زمین موجود باشند اما تولیدکننده زیان‌های احتمالی این فرایند را متقبل نشود، هرگز تولید صورت نخواهد گرفت. از این‌رو در برخی مطالعه‌ها از عامل ریسک به عنوان عامل چهارم در فرایند تولید یاد می‌شود

(Adams & Periton, 2009: 5). برای بیان اهمیت ریسک در مدیریت مالی نیز باید گفت که اگر بپذیریم هدف مدیریت مالی حداکثرسازی ارزش بنگاه باشد، آنگاه سه وظیفه اصلی متوجه هر مدیر مالی است؛ نخست آنکه سرمایه‌گذاری‌هایی انجام دهد که نرخ بازده آنها بالاتر از نرخ هزینه سرمایه بنگاه باشد؛ دوم آنکه به‌صورتی تأمین مالی کند که بازده حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها تکافوی نرخ هزینه سرمایه را بدهد و سوم آنکه نرخ هزینه سرمایه را تا حد ممکن کاهش دهد چرا که ارزش بنگاه با کاهش نرخ هزینه سرمایه، افزایش می‌یابد (Correia, Flynn, Uliana & Wormald, 2007: 1-14). در تمام این موارد نقش ریسک و اهمیت آن جلوه‌گر است. به‌طور کلی می‌توان گفت دو متغیر که هر مدیر مالی به عنوان داده‌های اولیه بر آنها تمرکز می‌کند، بازده مورد انتظار و ریسک ادراک شده (Perceived Risk) است و بده - بستان بین این دو است که مدیر مالی را به سرمایه‌گذاری سوق می‌دهد یا از منبع تأمین مالی بر حذر می‌دارد. همچنین ریسک در مالیه اسلامی نیز اهمیت خاصی را به خود اختصاص داده است. هر دو قاعده فقهی معروف «الخراج بالضمنان» و «من له الغنم فعلیه الغرم» در مالیه اسلامی بر مبنای ریسک استوار هستند. از دو قاعده فقهی پیش‌گفته این برداشت صورت می‌گیرد که بازده حاصل از دارایی به صورت ذاتی با میزان مسؤولیت‌پذیری در برابر زیان احتمالی آن دارایی در ارتباط است (حییب احمد، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

پذیرش ریسک از دیدگاه اسلام

قرآن کریم در چند آیه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر وجود وضعیت عدم اطمینان در کوشش‌ها و تصمیم‌های انسان صحنه گذاشته و تصمیم‌گیری وی را در این وضعیت جایز می‌شمرد؛ به‌طور مثال در آیه‌های سوره نجم می‌خوانیم:

«و اینکه برای انسان بهره‌ای جز کوشش وی نیست * و اینکه کوشش وی در آینده دیده می‌شود» (نجم (۵۳)، ۳۹ و ۴۰).

گرچه آیه‌های پیش‌گفته به قرینه پیش و بعد ناظر به کوشش‌های انسان برای امور آخرت است اما با این حال چون بر اساس حکم مسلم عقلی است، می‌توان نتیجه آن را تعمیم داد و کوشش‌های دنیا را نیز مشمول آن دانست (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۵۳) و چنین برداشت کرد که لزوماً تمام کوشش‌های انسان در وضعیت اطمینان کامل نیستند؛ به

این صورت که وی پاداش یا زیان نتیجه کوشش خود را در هنگام انجام آن مشاهده کند، بلکه این پیامدها در هاله‌ای از جهل و ابهام برای انسان وجود دارد و وی است که باید بر اساس عقل و به کارگیری تجربه نیک را از بد تشخیص داده و در همین فضای عدم اطمینان تصمیم بگیرد.

از دیگر آیه‌هایی که بر تصمیم‌گیری در وضعیت عدم اطمینان دلالت دارند، مجموعه آیه‌هایی است که در بردارنده مفهوم توکل هستند. گویی قرآن کریم با مطرح کردن توکل می‌خواهد به انسان همت مضاعف بدهد و بفهماند که دستیابی به نتیجه مطلوب فقط در گرو کوشش وی نیست بلکه عامل‌های دیگری مانند خواست خداوند متعال و امدادهایش در حصول آن دخیل هستند. البته معنای توکل این نیست که انسان از وسائل و اسباب پیروزی که خداوند متعال در جهان ماده در اختیارش گذاشته است، صرف‌نظر کند، چنانکه در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«هنگامی که یک بادیه‌نشین عرب، پای شتر خود را نبسته بود و آن را بدون بستن رها ساخته بود و این کار را نشانه توکل بر خدا می‌دانست، به وی فرمود: «أعقلها و توکل» یعنی «پایش را ببند و توکل کن».

بلکه منظور این است که انسان در چهار دیواری عالم ماده، و محدوده قدرت و توانایی خود محاصره نگردد و چشم خود را به حمایت و لطف پروردگار بدوزد، این توجه مخصوص، آرامش و اطمینان و نیروی ویژه روحی و معنوی به انسان می‌بخشد که در مواجهه با مشکل‌ها اثر عظیمی خواهد داشت» (همان: ۱۴۹).

آیه دیگری که شاید مقصود ما بیشتر در آن ظهور پیدا می‌کند و چه بسا با مفهوهای مالی و سرمایه‌گذاری هم‌گرایی بیشتری داشته باشد، آیه ۱۸۸ سوره اعراف است. خداوند متعال در این آیه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید که بگو:

«و اگر از غیب با خبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می‌کردم، و هیچ بدی (و زیانی) به من نمی‌رسید...» (اعراف (۷)، ۱۸۸).

واژه غیب در این آیه کریمه دلالت بر عدم آگاهی و اطمینان نسبت به وضعیت آینده دارد، به این معنا که هر آنچه از افزایش سود یا کاهش زیان بیان می‌شود همگی بر اساس پیش‌بینی و پیش‌گویی مبتنی بر معلومات اجمالی تصمیم‌گیرنده است. آیه پیش‌گفته که بیانگر

فرضیه عدم اطمینان در حوزه سرمایه‌گذاری است (دنیا، ۲۰۰۲: ۵۰)، به روشنی از وضعیت وجود ریسک در تصمیم‌های مالی و لزوم تصمیم‌گیری در این فضا سخن می‌گوید. گذشته از آیه‌های قرآنی، در برخی روایت‌ها هم مشاهده می‌کنیم که به مسئله ریسک و اهمیت آن پرداخته شده است. امام رضا علیه السلام نقل می‌کند:

«مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و به عنوان نصیحت گفت: ای ابو عبدالله چرا سرمایه‌هایت را پخش کرده‌ای، اگر آنها را یکجا سرمایه‌گذاری می‌کردی هم کم‌هزینه‌تر بود و هم سودآورتر. امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: سرمایه‌ها را توزیع کردم تا اگر به یکی آسیبی رسد دیگری از آسیب محفوظ بماند و به این ترتیب، مجموع سرمایه حفظ می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵، ۹۱).

روایت پیش‌گفته به روشنی از بحث تنوع‌بخشی (Diversify) در سرمایه‌گذاری‌ها و کاهش ریسک پرتفوی سخن می‌گوید. همچنین امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه خود خطاب به مالک اشتر راجع به رعایت حال بازرگانان چنین می‌فرماید:

«سپس سفارش مرا درباره بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و درباره آنان به نیکوکاری سفارش کن، چه بازرگانانی که در شهر ساکن هستند یا آنانکه همواره در سیر و کوچ کردن هستند و بازرگان‌هایی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار، بیابان‌ها، دریاها، دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند، هستند» (نهج البلاغه: ن ۵۳).

از مضمون کلام امیر مؤمنان علیه السلام چنین برمی‌آید که چون بازرگانان در راه کسب مال، مخاطره‌های فراوانی را به جان می‌خرند، مستحق پاداش هستند که این پاداش در رعایت حال آنان به وسیله حاکم تجلی می‌یابد.

واپسین استدلال درباره جواز پذیرش ریسک به وسیله اسلام مربوط به عقل و سیره عقلا است. عقل به عنوان یکی از چهار منبع استخراج احکام یا به عبارت گویاتر، ابزار توانمند فقیه در استنباط احکام از منابع، می‌تواند مرجعی موجه برای استدلال باشد. اهمیت عقل درباره استنباط احکام به قدری است که در روایت آمده است:

«ملاک امر، عقل است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۰).

«دین را جز عقل اصلاح نمی‌کند» (همان).

بنابراین عقل و سیره عقلا می‌تواند در جایگاه خط راهنمایی در استنباط آموزه‌های شریعت مورد استفاده قرار گیرد. درباره مورد بحث مقاله پیش‌رو باید گفت که کسب درآمد بیشتر در برابر تحمل ریسک بیشتر از نظر عقلی امری پسندیده است، همان‌طور که سیره عقلا هم چنین ادعایی را تأیید می‌کند. سفر بازرگانان جهت کسب سود و پذیرش مخاطره سفر، از جمله مصداق‌های سیره عقلا است که تحمل ریسک به منظور کسب درآمد بیشتر را تأیید می‌کند.

ریسک‌های مورد قبول اسلام

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، ریسک اقسام گوناگونی دارد. با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، جواز یا عدم جواز تحمل هر یک از اقسام چهارگانه ریسک را مورد بررسی قرار خواهیم داد تا بتوانیم ریسک‌های مورد قبول اسلام را از غیر آن تفکیک کنیم.

ریسک مفید

همان‌طور که از تعریف این قسم از اقسام ریسک نیز برمی‌آید، تعیین مفید یا غیرمفید بودن یک عمل مخاطره‌آمیز امری ارزشی است و به ارزش‌های مورد قبول تحمل‌کننده آن بستگی دارد. اگر بخواهیم در چارچوب آموزه‌های اسلامی ریسک مفید را از ریسک غیرمفید تمییز دهیم، ناگزیر از مراجعه به ارزش‌های اسلامی هستیم. به این ترتیب که با مدنظر قرار دادن پیامدهای ناشی از تحمل ریسک، ارزشمند بودن یا عبث‌بودن آن را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بسیاری از آیه‌های قرآنی و روایت‌های امامان اطهار^(ع)، از انجام «عبث» نهی و به هدف‌دار بودن زندگی انسان اشاره شده است. قرآن کریم هدف از آفرینش انسان را عبادت عنوان کرده است و می‌فرماید:

«من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند» (ذاریات (۵۱)، (۵۶)).

همچنین در آیه دیگر می‌فرماید:

«آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما باز نمی‌گردید؟» (مؤمنون (۲۳)، (۱۱۵)).

این آیه که در بردارنده مفهوم مخالف آیه پیشین است، نیز بر هدف‌دار بودن زندگی انسان تأکید می‌کند. از مقارنه این دو آیه شریفه چنین استنباط می‌شود که انسان باید فعالیت‌های خود را طوری ساماندهی کند که در جهت تأمین هدف غایی خلقت که همان

عبادت پروردگار است، صورت پذیرند و در عین حال باید از انجام اموری که با این هدف در تضاد هستند یا بدون هدف یا در اصطلاح عبث هستند، پرهیز کند. بدیهی است در چنین نظام ارزشی تحمل مخاطره در انجام فعالیت‌هایی که هم‌جهت با هدف خلقت هستند، پسندیده و تحمل مخاطره در انجام فعالیت‌هایی غیر از آن، ناپسند شمرده می‌شود. آیه‌ها و روایت‌های متعددی وجود دارد که انسان را در تشخیص این‌دو نوع تحمل مخاطره رهنمون می‌شود. در اینجا فقط به بیان چند مورد از این خطوط راهنما بسنده می‌کنیم. در روایتی آمده است:

«در راه هدایت از اندک شمار بودن اهل آن نترسید» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲، ۲۶۷).

یعنی پذیرش ریسک در راه هدایت امری پسندیده است. یا در روایتی دیگر آمده است:

«بدن شما بهایی غیر از بهشت ندارد، آن را به چیز دیگر نفروشید» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۱۷).

یعنی فقط ریسکی ارزش پذیرش دارد که تحمل آن باعث خوشنودی خداوند و پاداش آن بهشت باشد. از دیگر نمونه‌ها در این باره می‌توان به آیه‌های انفاق در راه خدا اشاره کرد. خداوند می‌فرماید:

«و هر مالی را که انفاق کنید [پاداش آن] به طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت» (بقره (۲)، ۲۷۲).

آیه پیش‌گفته به صراحت پذیرش ریسک مالی که فرد هنگام انفاق در راه خدا با آن روبه‌رو می‌شود را مورد تشویق قرار می‌دهد و از پاداش عظیم آن سخن می‌گوید. انسان اغلب از ترس فقر، تنگدستی و ... از انفاق روی‌گردان است، بنابراین خداوند متعال با عبارت «ستمی بر شما نخواهد رفت» انسان را به انفاق و پذیرش ریسک مالی موجود در آن تشویق می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که در نظام ارزشی اسلام تمام فعالیت‌های انسان باید در جهت رسیدن به هدف آفرینش باشد و هر فعالیتی خارج از این چارچوب، بیهوده و بی‌ثمر تلقی می‌شود و بالتبع تحمل ریسک در فعالیت‌های دسته نخست پسندیده و تحمل ریسک در فعالیت‌های دسته دوم ناپسند شمرده می‌شود.

ریسک مولد

طبق تعریف، ریسک مولد، ریسکی است که متضمن ارزش افزوده باشد در حالی که ریسک غیرمولد، ریسکی فاقد ارزش افزوده است. به ریسک مولد «ریسک اقتصادی» و به

ریسک غیرمولد «ریسک غیراقتصادی» نیز گفته می‌شود.

سامی ابراهیم السویلیم ارزش افزوده را شرط تحمل ریسک از دیدگاه اسلام می‌داند و می‌گوید: «ارزش هر تصمیم اقتصادی اساساً به علت مخاطره‌آمیز بودن آن نیست، بلکه به واسطه ثروتی که خلق می‌کند و ارزشی که به واسطه آن خلق می‌شود، تعیین می‌شود. ریسک در ارزش منعکس است اما ریسک فی نفسه تعیین‌کننده ارزش نیست. هر زمان که پذیرش ریسک مورد تشویق قرار می‌گیرد به علت ارزش افزوده و ثروتی است که پدید می‌آورد. این موضوع تفاوت بین ریسک مشروع و نامشروع را مشخص می‌کند. ریسک مشروع زمانی است که به خلق ارزش بینجامد اما وقتی که ارزش افزوده‌ای نباشد، شرط‌بندی است» (سویلیم، ۱۳۸۶: ۷۱).

در قرآن کریم و روایت‌های رسیده از حضرات معصومین علیهم‌السلام به صراحت از قمار به عنوان یکی از بارزترین مصداق‌های ریسک غیرمولد نهی شده است؛ به‌طور مثال، نص آیه‌های کریمه می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب، قمار، بت‌ها و ازلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!» (مائده (۵)، (۹۰)).
«شیطان می‌خواهد به‌وسیله شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه پدید آورد و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد» (مائده (۵)، (۹۱)).

«درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند، بگو: در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد (اما) گناه آنها از نفعشان بیشتر است» (بقره (۲)، (۲۱۹)).

میزان اهمیت نهی از قمار در روایت‌ها نیز به قدری است که کتاب‌های حدیثی مشهور بابی را به آن اختصاص داده‌اند؛ به‌طور مثال، در کافی بابی تحت عنوان «باب القمار و النهبه» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۲۳)، در وسائل‌الشیعه و مستدرک‌الوسائل بابی تحت عنوان «باب تحریم کسب القمار حتی الکعاب و الجوز و البیض و ان کان الفاعل غیر مکلف و تحریم فعل القمار» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۴ و محدث‌نوری، ۱۴۰۸: ۱۱۹)، و در بحار‌الانوار بابی تحت عنوان «القمار» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲۸) وجود دارد. از جمله روایت‌های مشترک بین این منابع می‌توان به روایت‌های ذیل اشاره کرد:

«اسحاق بن عمار نقل می‌کند که به امام صادق علیه‌السلام گفتم کودکان با گردو و تخم مرغ بازی می‌کنند و بر سر آنها قمار می‌بندند، پس حضرت فرمود از آن نخور چرا که حرام است».

«سکونی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که وی از خوردن گردویی که کودکان آن را از قمار می‌آورند نهی می‌کردند و می‌فرمودند که آن ربا است» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۲۳ و ۱۲۴).

«المیسر» از «یسر»، به معنای آسانی است. چون در قمار، افراد بدون زحمت، پول به دست می‌آورند، به آن میسر گویند. گویا در قمار، طرفین می‌خواهند مال همدیگر را به آسانی برابند. قمار از جمله عامل‌های هیجان، بیماری‌های عصبی، سکنه‌های مغزی و قلبی، بالا رفتن ضربان قلب، بی‌اشتهایی، و رنگ پریدگی و ... است. هم‌چنانکه بررسی‌کنندگان، سی درصد آمار جنایت‌ها را مرتبط با قمار دانسته‌اند. در ضمن قمار، از جهت اقتصادی نقش تخریبی داشته و نشاط برای کار مفید را از بین می‌برد. در برخی از کشورهای غیراسلامی نیز در سال‌هایی قمار را ممنوع و غیر قانونی اعلام کرده‌اند؛ به‌طور مثال، انگلستان در سال ۱۸۵۳، شوروی در سال ۱۸۵۴ و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار را ممنوع اعلام کردند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۴۵).

ریسک قابل کنترل

عدم اطمینان، عنصری ذاتی در تمام فعالیت‌های اقتصادی است، با این حال پاداش‌های نامطمئن تابع عامل‌های مشخص هستند که این عامل‌ها احتمال وقوع آن پاداش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین اگر شخصی به دنبال بازدهی نامطمئن باشد، باید در جهت کنترل وقوع آن بازده بکوشد. عامل‌هایی که احتمال وقوع تصادفی درآمدی را کنترل می‌کنند، تحت عنوان «سبب‌ها (Causes)» شناخته می‌شوند. در فرهنگ اسلامی عدم اطمینان با سبب‌ها درآمیخته است. هنگامی که کسی از ما مسلمانان با مسئله‌ای در فضای عدم اطمینان روبه‌رو می‌شود، به‌طور معمول خود را مقید به انجام سبب می‌داند و نتیجه را به اراده خداوند قادر متعال وا می‌گذارد. این رفتار پسندیده مسلمانان ریشه در اصول و آموزه‌های اسلامی دارد که بر اساس آنها ما فقط مؤظف به انجام تکلیف هستیم و حصول نتیجه را باید به خواست خداوند واگذاریم (Iqbal & Liewellyn, 2002: 18). تفویض امور به خداوند متعال که در آموزه‌های اسلامی با عنوان «توکل» از آن یاد می‌شود، آیه‌های بسیاری را در قرآن کریم به خود اختصاص داده است. همان‌طور که در بخش‌های بعدی توضیح داده خواهد شد، این آیه‌ها به‌طور غیر مستقیم دلالت بر پذیرش وضعیت عدم اطمینان در تصمیم‌گیری دارند. شایسته است در اینجا به «سببیت» و اهمیت آن در آموزه‌های اسلامی

اشاره شود. اسلام جبرگرا نیست و همچنین انسان را نیز رقم‌زننده تام اموری که بر وی عارض می‌شود، نمی‌داند یعنی افزون بر اختیار انسان، خواست خداوند متعال را نیز در جایگاه عاملی مهم در رخ‌دادن امور می‌شمارد. قرآن در این باره می‌فرماید:

«و هرگز در مورد کاری نگو: من فردا آن را انجام می‌دهم، مگر اینکه خدا بخواهد! (کهف (۱۸)، ۲۲ و ۲۳)».

بر این اساس در آموزه‌های اسلامی از واگذار کردن امور به خداوند بدون انجام هیچ‌گونه کوشش، مذمت شده است. در روایتی آمده است:

«عده‌ای از مسلمانان پس از نزول آیه «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای وی فراهم می‌کند، و وی را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد (طلاق (۶۵)، ۲ و ۳)» کار خود را رها کردند و پیش خود گفتند که خداوند متعال روزی ما را تضمین کرده است، ما تقوا پیشه می‌کنیم و خداوند متعال روزی ما را می‌رساند. خبر به پیامبر اکرم ﷺ رسید، حضرت آنان را احضار و به شدت توبیخ کردند» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷، ۱۴).

روایت پیش‌گفته و روایت‌های دیگر در این باره همگی دلالت بر اهمیت «سببیت» دارند. در همین جهت شایان ذکر است فقیهان، آرزویی که جهت کسب هدف مطلوب اما بدون انجام هیچ‌گونه کوشش و سببی در فرد وجود دارد را «تمنی» می‌نامند اما اگر در کنار همین «تمنی» عنصر «سببیت» وارد شود، به آن «رجا» می‌گویند (Iqbal & Liewellyn, 2002: 24). واضح است که دومی پسندیده و اولی ناپسند شمرده می‌شود. قرآن کریم بیان می‌دارد که «الأماني» یا همان آرزوهای دور و دراز شما را فریب داده و به زیان شما خواهند انجامید:

«... و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد...» (حدید (۵۷)، ۱۴).

شانس که طبق تعریف معادل ریسک غیرقابل کنترل است، عبارت از پیشامدی تصادفی و اتفاقی است، به گونه‌ای که هیچ تضمینی برای کسب هدف مطلوب در آن وجود ندارد. شاید یکی از پیامدهای منفی تصمیم‌گیری بر اساس شانس، فشار روانی یا استرس باشد. از جمله افرادی که تمام تصمیم‌های آنها بر اساس شانس است، قماربازان هستند. بر اساس مطالعه‌ای نشان داده شده است که نرخ خودکشی در بین قماربازان چند برابر دیگر افراد جامعه است (Orford et al, 2003: 56) و این خود از فشار روانی وارد بر آنان حاکی است.

ریسک مالی و ریسک غیرمالی

حکم کردن به جواز یا عدم جواز تحمل ریسک مالی از دید آموزه‌های اسلامی، بسته به مورد، متفاوت است اما قدر مسلم این است که اسلام پذیرش ریسک در امور مالی را به صورت مطلق نهی نکرده است. گویاترین علت هم بر این مدعا روایت امام صادق علیه السلام درباره توزیع سرمایه در دارایی‌های گوناگون است که در بخش بعدی خواهد آمد.

بنابر آنچه تاکنون گفته شد می‌توان ریسک‌های مورد قبول اسلام را از میان ریسک‌ها احصا کرد و چنین نتیجه‌گیری کرد که فقط پذیرش ریسکی از نظر اسلام جایز است که اولاً مفید، ثانیاً مولد و ثالثاً قابل کنترل باشد. از آنجا که در این نوشتار به صورت ویژه بنا داریم بر تصمیم‌گیری‌های مالی و سرمایه‌گذاری متمرکز شویم و با توجه به اینکه اساساً مدیریت ریسک در حوزه مالی بر آن دسته از انواع ریسک نظارت و کنترل دارد که اولاً در محدوده کنترل باشد و ثانیاً اثرهای نقدی داشته باشد (راعی و سعیدی، ۱۳۸۷: ۵۹)؛ بنابراین از این پس منظور از ریسک در این نوشتار ریسک مفید، مولد، قابل کنترل و مالی است که آن را این‌گونه تعریف می‌کنیم:

«پذیرش تمام یا بخشی از خطرهای مالی قابل کنترل ناشی از سرمایه‌گذاری اقتصادی به منظور تملک تمام یا بخشی از سود احتمالی حاصل از آن».

ارزش‌گذاری ریسک در فقه شیعه

در این بخش با جستاری در آرای فقیهان شیعه درباره تحمل ریسک مالی، در صدد هستیم برای پرسش تحقیق پاسخی شفاف بیابیم. پرسش این بود که «آیا درآمدی که به تحمل ریسک در سرمایه‌گذاری تعلق می‌گیرد از دیدگاه اسلام صحیح است؟» همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، یکی از مصداق‌های ریسک در سرمایه‌گذاری، ریسکی است که سرمایه‌گذار در ارزش‌گذاری دارایی‌های مالی با آن روبه‌رو است. به عبارت دیگر از آنجا که ارزش هر دارایی مالی برابر با تنزیل عایدات آتی ناشی از آن است، سرمایه‌گذار ناگزیر از استفاده از نرخ تنزیلی برای ارزش‌گذاری دارایی و تصمیم‌گیری درباره خرید یا فروش آن است. نرخ‌ها که برای تنزیل به کار می‌رود، اغلب نرخ بهره تعدیل‌شده بر اساس ریسک است، یعنی می‌توان گفت که ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری در نرخ تنزیل عایدات ناشی از

آن تجلی می‌یابد. حال پرسش این است که آیا تصمیم‌گیری درباره فرصت سرمایه‌گذاری بر اساس چنین نرخ تنزیلی که با توجه به ریسک به دست آمده، صحیح است؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا می‌توان گفت که از دیدگاه آموزه‌های اسلامی تحمل ریسک بیشتر جوازی برای کسب درآمد بیشتر در سرمایه‌گذاری است؟

در این بخش با تمسک به آرای فقیهان شیعه درباره سه مصداق از مصداق‌های تحمل ریسک یعنی تولید، ضمانت و بیمه بنا داریم به پرسش تحقیق پاسخ دهیم. بنابراین در ادامه ابتدا به ریسک به عنوان نهاده‌ای از نهاده‌های تولید می‌پردازیم و نظر شهید صدر^{علیه السلام} در این باره و نقد نظری را بیان می‌کنیم سپس با مطرح کردن عقدهای ضمانت و بیمه، اثبات می‌کنیم که تحمل ریسک مالی در این موارد نه تنها جایز است، بلکه فرد تحمل‌کننده آن می‌تواند بابت تحمل ریسک بیشتر، طلب پاداش نقدی بیشتر کند.

ریسک به عنوان نهاده تولید

بونیتس و همکارانش بیان می‌کنند آنچه قابل اندازه‌گیری است را می‌توان مدیریت کرد و برای اعمال مدیریت، ناگزیر از اندازه‌گیری هستیم (Bonits et al, 1999: 391-402)؛ بنابراین برای مدیریت ریسک نیز ابتدا باید ارزش آن را اندازه‌گیری کنیم اما پرسش این است که آیا ریسک ارزش بازاری (Market Value) دارد به صورتی که بتوان برای آن قیمت تعیین کرد و آن را در بازار مورد معامله قرار داد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت اگرچه وقوع نتیجه‌های مطلوب در وضعیت ریسک فقط بر اساس احتمال است اما می‌توان برای عامل‌هایی که سبب وقوع این نتیجه‌ها می‌شوند ارزش قائل شد. شیوه استدلال در اینجا به طور دقیق شبیه به استدلال درباره ارزش دار بودن دارو است. بیمار با پرداخت پول، خرید دارو و مصرف آن فقط احتمال می‌دهد که درمان شود، یعنی دارو را عاملی می‌داند که به سلامتی وی می‌انجامد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در اینجا بیمار بابت عاملی که سبب درمان و بهبود سلامتش می‌شود پول پرداخته و ارزش قائل شده است. همین منطق درباره عوامل تولید نیز به کار می‌رود. کار مفید اقتصادی ارزش دارد چون عامل تولید است؛ بنابراین در بازار برای کار ارزش قائل هستند و برای آن بازار وجود دارد. همین استدلال درباره ریسک هم به کار می‌رود. یعنی از آنجا که ریسک جزء لاینفک عوامل تولید

است، باید برای آن هم ارزش قائل شد.

پرسشی که در اینجا پدید می‌آید این است که در مکتب اسلام آیا کسی که حاضر به پذیرش ریسک فرایند تولید می‌شود، می‌تواند پاداشی طلب کند؟ یکی از معروف‌ترین اندیشه‌وران مسلمان که به جست‌وجوی پاسخ این پرسش پرداخته است، شهید صدر^{علیه السلام} است. وی از پذیرش عنصر ریسک در جایگاه یکی از نهادهای تولید استنکاف کرده و در ظاهر ریسک را در کسب درآمد، بدون اثر اعلام کرده است:

«به‌طوری که از نظریه توزیع بعد از تولید بر می‌آید مخاطره سرچشمه درآمد شناخته نشده و مجوز نظری هیچ‌یک از انواع درآمدهای قانونی نیست زیرا مخاطره جنبه کالا و سرمایه را ندارد که مخاطره به دیگری تأدیه و ثمن را مطالبه کند و کار نیست که روی ماده‌ای پیاده شود تا در برابر آن حق تملک یا مطالبه اجرت مطرح شود، بلکه حالتی است که شخص در آن حالت به کاری که از عواقب آن ترس دارد اقدام می‌کند. این امر از دو حال خارج نیست یا شخص به واسطه خوف از تصمیم منصرف می‌شود یا خیر. به هر حال وی است که راه پر مخاطره را برگزیده و با اراده آزاد به قبول خسارت احتمالی تن می‌دهد بنابراین تا وقتی که تصمیم شخص واقعیت خارجی نیافته و به شکل کار مجسم در نیامده است، نمی‌تواند ما به ازای مادی برای آن مطالبه کند. درست است که از لحاظ اخلاقی غلبه بر ترس حائز اهمیت است اما این دلیل نمی‌شود که برایش ارزش اقتصادی قائل شد» (صدر، ۱۳۵۷: ۲۵۷).

به نظر می‌رسد عدم تفکیک بین اقسام گوناگون ریسک سبب شده است که شهید صدر^{علیه السلام} ریسک را به‌طور مطلق فاقد ارزش اعلام کند. شواهدی که وی برای اثبات بی‌ارزش بودن ریسک اقامه می‌کنند دلیلی بر این مدعا است. وی می‌فرماید:

«مدارک قانونی و حقوقی دیگر هم در دست است که موضع‌گیری مخالف و سلبی اسلام را نسبت به مخاطره روشن می‌سازد و ثابت می‌کند که مخاطره نباید سرچشمه درآمد تلقی شود. ... تحریم قمار و درآمدهای ناشی از آن دلیل دیگر است که مخالفت اسلام با مخاطره را مدلل می‌سازد. بدیهی است که این‌گونه درآمدها بر کار مفید و انتفاعی مبتنی نبوده و فقط بر اساس مخاطره استوار هستند. تحریم شرکت ابدان را نیز می‌توان به تحریم قمار افزود. فقیهان بسیاری از جمله محقق حلی^{رحمته الله} در شریع و ابن حزم در محلی به بطلان آن نظر دارند» (همان: ۲۵۹).

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، ریسک مورد قبول اسلام ریسک مولد، مفید و قابل کنترل

است اما قمار و شرکت ابدان دربردارنده این نوع ریسک نیستند و نمی‌توان با استناد به قمار و شرکت ابدان تمام انواع ریسک را بی‌ارزش شمرد.

بنابراین آنچه در اسلام مردود است ریسک غیر مفید و غیرمولد (مانند: قمار، شرکت ابدان و ...) است و آنچه مورد بحث ما است، ریسک مفید و مولد اقتصادی است. بر این اساس عامل ریسک را نیز باید به صورت یکی از اجزای علت تامه برای تصاحب ارزش اضافی مطرح ساخت. با توجه به چنین نتیجه‌ای استحقاق عرضه‌کننده ریسک از درآمد پدید آمده مورد قبول بوده و مقدمه لازم جهت پذیرش اصل «ریسک بیشتر، سرچشمه درآمد بیشتر» را فراهم می‌کند (فطانت، ۱۳۷۶: ۱۵۹ و ۱۶۰).

ضمانت‌نامه‌های بانکی و ارزش‌گذاری ریسک

از امور رایج در بانکداری، نوعی قرارداد و تعهد، معروف به ضمانت بانکی است. براساس قرارداد پیش‌گفته، بانک متعهد می‌شود که یک طرف معامله را برای دیگری ضمانت کند، به این ترتیب که در صورت تخلف طرف نخست از قرارداد، بانک قرارداد را برای طرف دوم تکمیل کرده یا خسارتی را که در متن قرارداد پیش‌بینی شده به طرف دوم بپردازد. به عبارت دیگر ضمانت‌نامه، تعهدی است صریح که بانک‌ها، شرکت‌های بیمه یا دیگر اشخاص ثالث بر عهده می‌گیرند، تا مبلغ معینی را به ذی‌نفع یا مستفید (فردی که ضمانت‌نامه صادر شده در اختیارش قرار می‌گیرد) بپردازد. تعهد پیش‌گفته به پرداخت وجه‌الضمان بنا به درخواست عامل صورت می‌گیرد. از آنجا که ممکن است عامل طی دوره مشخص که در قرارداد تعیین شده، نتواند به تعهدهای خود عمل کند، بنابراین برای اطمینان بیشتر ذی‌نفع، از بانک می‌خواهد که ضمانت‌ش شود و بانک در برابر صدور ضمانت‌نامه بانکی معادل درصدی از ارزش اعتباری وجه‌الضمان را از وی دریافت می‌کند. به این ترتیب بانک ریسک عامل را اندازه‌گیری کرده و متناسب با میزان ریسک، آن را ارزش‌گذاری می‌کند و در ازای تقبل ریسک، اجرت دریافت می‌کند. ضمانت‌نامه‌ها از حیث کاربرد عبارت هستند از: ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه یا مزایده (Tender guarantee)، ضمانت‌نامه حسن انجام کار (Performance guarantee)، ضمانت‌نامه استرداد پیش‌پرداخت (Repayment guarantee or Advance payment guarantee).

ضمانت‌نامه جبران خسارت بانکی، ضمانت‌نامه استرداد کسور وجه‌الضمان، ضمانت‌نامه گمرکی، ضمانت‌نامه تعهد پرداخت و ضمانت‌نامه‌های متفرقه دیگر که در این میان سه نوع نخست رواج بیشتری دارند. در اینجا برای روشن‌تر شدن مطلب، فقط به توضیح نوع دوم از ضمانت‌نامه‌های بانکی که همان ضمانت‌نامه حسن انجام کار است، بسنده می‌کنیم.

با امضای قرارداد اجرای کار، فصل جدیدی در روابط بین کارفرما و امضاکننده قرارداد (پیمانکار) پدید می‌آید. پیش از این مرحله، نگرانی کارفرما، عدم تمکین شرکت‌کننده در مناقصه درباره امضای قرارداد بود اما از این پس، بیم کارفرما از آن است که پیمانکار تعهدهای خود را به کیفیت مطلوب انجام ندهد یا اجرای کار را به صورت ناقص و ناتمام رها کند. به همین منظور، از امضاکننده قرارداد خواسته می‌شود ضمانت‌نامه‌ای را که مبلغ آن به طور معمول پنج تا ده درصد قرارداد است، تسلیم کارفرما کند و تا زمانی که چنین ضمانت‌نامه‌ای تسلیم نشود، قرارداد لازم‌الاجرا تلقی نمی‌شود. ضمانت‌نامه پیش‌گفته را در اصطلاح «ضمانت‌نامه حسن انجام معامله» یا «حسن انجام کار» یا عبارت‌های مشابه، می‌نامند. منظور از دریافت ضمانت‌نامه حسن انجام کار این است که تأمین مناسبی برای کارفرما فراهم شود تا هرگاه پیمانکار نخواهد یا نتواند تعهدهای خود را طبق قرارداد انجام دهد، کارفرما برای یافتن فرصت درباره اتخاذ تدابیر اولیه از آن استفاده کند یا قسمتی از خسارت‌های وارده بر خود را از محل آن جبران کند.

درباره ماهیت فقهی - حقوقی ضمانت‌نامه‌های بانکی، بحث‌های تحلیلی گسترده و گوناگونی از طرف حقوقدانان و فقیهان مطرح شده است. به طور کلی نظریه‌های بیان‌شده در این باره را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. نظریه نخست، ضمانت‌نامه بانکی را در چارچوب ایقاعات و نظریه دوم آن را در چارچوب عقود معینی مانند: ضمان، کفالت، مشارکت و مضاربه می‌دانند اما نظریه سوم که به نظر می‌رسد بهترین نظریه باشد، نظریه «تعهد به نفع ثالث» است. به سبب این نظریه، فرض بر این است که قراردادی که ضمانت‌نامه بر مبنای آن صادر می‌شود، به جای آنکه قراردادی بین ضامن و مضمون‌له باشد، قراردادی است میان مضمون‌عنه و ضامن، که ذی‌نفع آن ثالث یعنی مضمون‌له است (احمدی‌قوهکی، ۱۳۸۷: ۲۱۳).

در ضمن قرارداد ضمانت‌نامه بانکی، عامل (متعهد) یا همان پیمانکار از بانک می‌خواهد

که وی را در معامله برای طرف دوم (متعهد له) یا کارفرما که این معامله برای نفع و جلب اطمینان وی صورت گرفته است، تضمین کند و چون این ضمانت به درخواست متعهد صورت گرفته است، خود وی مسؤول جبران تمام خسارت‌هایی است که بانک در این ضمانت متحمل می‌شود. در ظاهر در این مسئله اختلافی نیست و صاحب جواهر بر آن ادعای اجماع قطعی کرده است (أصفی، ۱۳۸۰: ۸۶). وی سه دلیل اقامه می‌کند بر اینکه متعهد که دستور ضمانت را به ضامن (در اینجا، بانک) داده است مسؤول جبران تمام خسارت‌های وارده بر وی است (نجفی، بی تا: ۱۳۳ و ۱۳۴):

نخست: اجماع به هر دو قسم خود؛

دوم: روایت‌هایی که در این باره آمده است. وقتی از امام علیه السلام درباره روایت معروف

«الزعیم غارم» می‌پرسند، امام علیه السلام می‌فرماید:

«الزعیم غارم نیست، بلکه غرامت بر کسی است که آن مال را گرفته و استفاده کرده است»

(حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸، ۴۲۱).

یعنی شخصی که به پرداخت ضمانت ملتزم می‌شود، نباید خسارت را به وی تحمیل کرد، بلکه خسارت را باید کسی متحمل شود که به ضامن دستور ضمانت داده و از آن مال استفاده کرده است. در روایت دیگری آمده است:

«از امام در این باره می‌پرسند که کسی مبلغی را ضمانت کرده، بعد با مضمون‌له به صورتی

مصالحه می‌کند. امام می‌فرماید: ضامن می‌تواند از مضمون‌عنه که دستور ضمانت را به وی داده

به همان اندازه مطالبه کند که با مضمون‌له مصالحه کرده است، نه بیشتر» (همان: ۱۸، ۴۲۷).

سوم: قاعده معروف احترام مال مسلمان. چون ضامن با مال خود به تکلیف و

درخواست متعهد از وی برای جلب اطمینان متعهدله ضمانت کرده است، قاعده احترام اقتضا می‌کند کسی که به وی دستور چنین ضمانتی را داده، خسارت وی را نیز جبران کند.

بنابراین چنانکه کسی به دیگری دستور ضمانت بدهد و ضامن متحمل خسارتی شود و این ضمانت به نیت تبرع نباشد، قاعده احترام مال مؤمن ایجاب می‌کند که دستور دهنده، ضامن تمام خسارت‌های وارده بر ضامن باشد.

شهید صدر علیه السلام نیز باور دارد که بانک می‌تواند اجرتی در برابر صدور ضمانت‌نامه

دریافت کند چرا که تعهد پیش‌گفته در ضمانت‌نامه باعث تحکیم تعهدهای پیمانکار خواهد

شد؛ بنابراین صدور ضمانت‌نامه بانکی عمل محترم و نافع است و می‌توان آن را در حکم جعاله دانست (صدر، ۱۴۰۳: ۲۴۳-۲۴۱). آنچه از نظر وی فهمیده می‌شود این است که شهید صدر^{علیه السلام} علت اصلی دریافت اجرت را به علت ماهیت و حقیقت ضمانت‌نامه می‌داند که باعث محکم‌کاری و افزایش سطح اطمینان به انجام تعهدهای پیمانکار در برابر کارفرما است که سبب می‌شود تا احتمال خلل در روند ایفای تعهدها به‌وسیله پیمانکار کاهش یابد.

بیمه و ارزش‌گذاری ریسک

بیمه نیز یکی دیگر از قراردادهایی است که بر مبنای ریسک بنا نهاده شده است، به این ترتیب که بر اساس این قرارداد، شخصی که در معرض ریسک قرار دارد (بیمه‌گذار) برای پوشش ریسک خود به بیمه‌گر مراجعه می‌کند. بیمه‌گر با ارزیابی ریسک موردنظر، آن را ارزش‌گذاری کرده و در ازای اجرتی که همان حق بیمه است، حاضر به پوشش آن می‌شود.

ماده یک قانون بیمه، در تعریف بیمه، آن را چنین تعریف می‌کند:

«بیمه، قراردادی است به سبب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر، در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر وی را جبران کرده یا وجه معینی بپردازد» (متنصر اسدی، سلیمانی و روحانی، ۱۳۸۵: ۲۸).

از اصول اساسی که بیمه مبتنی بر آن است می‌توان به اصل احتمال و اصل خطر اشاره کرد. اصل احتمال بیان می‌دارد که تعهد یکی از طرفین احتمالی است و بیمه‌گر در صورتی جبران خسارت خواهد کرد که حادثه‌ای اتفاق بیفتد و در اثر این حادثه، بیمه‌گذار خسارتی ببیند، حادثه‌ای که امکان وقوع آن در هنگام قرارداد وجود داشته است. بیمه‌گر در برابر حق بیمه‌ای که می‌گیرد به پرداخت خسارت احتمالی ملزم است و بدیهی است که پیش‌بینی تمام حادثه‌ها غیر مقدور است. از سوی دیگر برخی از نویسندگان حقوق بیمه، اصل خطر (ریسک) را نیز جزو اصول اساسی بیمه دانسته‌اند و باور دارند که این ریسک است که بیمه را مطلوب و ممکن می‌سازد زیرا اگر در مواردی خسارت، قطعی باشد نمی‌توان عمل بیمه را انجام داد و هیچ‌یک از مؤسسه‌های بیمه از عهده انجام چنین بیمه‌ای با نرخ تجارتي و معقول بر نمی‌آیند؛ به‌طور مثال اگر طفل خردسالی با سیم برق فشار قوی بازی کند، خطر حتمی است، زیرا نتیجه امر که همان کشته‌شدن طفل در اثر برق گرفتگی است معلوم

می‌باشد. همچنین در خطری که احتمال وقوع آن صفر یا نزدیک به صفر است (مانند خطر آفتاب‌زدگی در قطب شمال) کسی حاضر نمی‌شود به عنوان بیمه‌گذار خود را بیمه کند (عرفانی، ۱۳۷۱: ۵۴). بنابراین می‌توان گفت که ریسک جزء لاینفک قراردادهای بیمه است و بدون وجود ریسک قرارداد بیمه بدون معنا خواهد بود.

اکثر عالمان شیعه بیمه متعارف را صحیح می‌دانند (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۶۹) اما این گروه نیز از دو زاویه به عقد بیمه نگریسته‌اند. برخی آن را عقدی مستقل دانسته و از این دیدگاه حکم به صحت آن داده‌اند و برخی نیز بیمه را با عقودهای معهود و شناخته‌شده مقایسه کرده، نظر به انطباق بیمه با یکی از آنها به مشروعیت بیمه فتوا داده‌اند. در بررسی بیمه به صورت عقد مستقل باید گفت به طور کلی اعتبار شرعی معامله یا حکم به صحت معامله و مشروعیت یافتن آن متوقف بر چند امر است: نخست آنکه عقد تحقق پیدا کند؛ دوم آنکه مورد پذیرش عقلاً باشد و سوم آنکه مورد تأیید شارع باشد و ادله صحت شرعی آن را شامل شود (همان: ۲۵۳). اما درباره تحقق عقد بیمه، بی‌تردید عنوان عقد بر بیمه اطلاق می‌شود چون بیمه واجد تمام ارکان عقد و معامله است، یعنی دارای انشای عقد، طرفین عقد، مورد و موضوع عقد و ذکر عوضین در عقد بیمه است. بیمه به لحاظ عینی و خارجی، مصداق عقد و معامله است و بر انشای قرارداد بیمه که به طور معمول به صورت کتبی انجام می‌گیرد، عنوان عقد بیمه صادق است. همچنین بیمه، معامله‌ای عقلایی است. عقلاً بیمه را کاری پسندیده و مفید برای فرد و جامعه می‌دانند و رغبت و اشتیاق به آن، نوعی دوراندیشی و خردورزی شمرده می‌شود. بیمه معامله‌ای است که هدف بیمه‌گر از آن، استرباح است، در برابر خدمتی که ارائه می‌دهد و مقصود بیمه‌گذار از آن، احیاناً دفع زیان‌های احتمالی است. اگر بیمه عقدی سفهی و عملی غیرعقلایی بود، عقلاً درباره آن اقدام نمی‌کردند و در جوامع بشری امروز رواج چشم‌گیری نمی‌یافت اما درباره تأیید شارع باید گفت هر گاه درباره عقدی مانند بیمه، که امری مستحدث و نو است، شک شود که آیا از نظر شرعی معتبر هست یا نه، مقتضای اصل اولی در معامله‌ها و عقدها، فساد و بطلان است مگر آنکه دلیل شرعی و معتبر بر صحت معامله اقامه

شود. برای اثبات «اصل ثانوی صحت معامله‌ها» به آیه‌ها و روایت‌های متعددی می‌توان استناد کرد. به‌طور مختصر درباره بیمه می‌توان گفت که بیمه، مصداق «عقد» و «تجارة عن تراض» است و عموم آیه «أوفوا بالعقود»، «لا تأكلوا أموالكم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض»، «المؤمنون عند شروطهم» و دیگر عمومات و اطلاقات مربوط به تعهدها و ضمانت‌ها آن را شامل می‌شوند و شارع مقدس آن را امضا کرده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۲۶). به این ترتیب برخی از فقیهان بیمه را عقدی مستقل می‌دانند و به صحت آن فتوا داده‌اند اما برخی دیگر از وی یا به علت اینکه ادله صحت عقود را شامل عقدهای مستحدثه، از جمله عقد بیمه نمی‌دانند و یا به علت اینکه اشکال‌هایی مانند غرر، جهالت و تعلیق که به عقد بیمه گرفته شده، به نظر وی قابل دفع نیست، کوشیدند عقد بیمه را با دیگر عقدهای معهوده فقهی مانند: ضمان، صلح، جعاله و هبه مشروطه مقایسه کرده و از راه انطباق عقد بیمه با آن عقدها، عقد بیمه را تصحیح کنند.

همان‌طور که اشاره شد، ایرادهای گوناگونی به عقد بیمه گرفته شده است که همگی به‌وسیله فقیهان بزرگوار پاسخ داده شده‌اند. یکی از این ایرادها که به موضوع مورد بحث مقاله پیش‌رو بسیار مرتبط است و اثبات آن بر ارزش‌گذاری ریسک و دریافت حق بیمه به‌وسیله بیمه‌گر تأثیر مستقیم دارد، این است که بیمه عقدی تضمینی است و ضمانت در عقد بیمه، از قبیل «ضمان مالم یجب» است چرا که در حال ضمان و عقد بیمه، سبب آنکه غرق شدن، سوختن، دزدی، تلف شدن و ... است، هنوز وجود نیافته است. پرداخت خسارت ناشی از خطری که در آینده تحقق می‌یابد و ضمانت در بیمه، ضمان مالم یجب است، یعنی ضمانت چیزی که پیش از این ثابت نشده است، چون بیمه‌گر ضمانت می‌کند و متعهد می‌شود که خسارتی را که جبران کند که هنوز محقق نشده است. از این نوع ضمان، به «التزام مالا یلزم» نیز تعبیر می‌شود، یعنی ملتزم شدن و به گردن گرفتن انجام کاری که شرعاً لازم نیست. برای بطلان ضمان مالم یجب استدلال‌های گوناگونی صورت گرفته و حتی ادعای اجماع نیز شده است (نجفی، بی تا: ۲۶، ۱۳۵) اما سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی^۱ از فقیهان

نامدار و برجسته شیعه، ادعای اجماع بر ضمان مالم یجب را صحیح ندانسته و اجماع بر بطلان آن را ممنوع اعلام می‌کند (محقق داماد، ۱۳۷۶: ۲۵۲) و می‌گوید ضمانی که سبب آن تحقق نیافته نیز صحیح است و بر صحت آن به صدق ضمان و شمول عمومات عامه آیه «أوفوا بالعقود» و حدیث نبوی «الزعیب غارم» استدلال می‌کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲، ۷۶۲).

میرزای قمی رحمته الله علیه نیز می‌گوید:

«حکم به اینکه ضمان مالم یجب مطلقاً باطل است یا ضمان آنچه در ذمه تعلق نگرفته، مطلقاً باطل است...، وجهی ندارد» (قمی، ۱۳۷۱: ۲، ۳۲).

بنابراین در جمع‌بندی ایراد پیش‌گفته می‌توان گفت که اگرچه بیمه مصداق ضمان مالم یجب است اما از آنجا که ادله بطلان ضمان مالم یجب ناتمام است، چنین استنباط می‌شود که عمومات عقود و ضمان، ضمان در عقد بیمه را شامل می‌شود و مقتضای عمومات و اطلاعات، درستی عقد بیمه است. بنابراین بیمه متعارف که بر اساس آن بیمه‌گر ریسک بیمه‌گذار را بررسی کرده و بر اساس آن حق بیمه‌ای را تعیین و از بیمه‌گذار دریافت می‌کند، مورد تأیید شارع مقدس است.

با توجه به استدلال‌های سه‌گانه مطرح‌شده در این بخش می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که اولاً از آنجا که بدون وجود نهاده ریسک تولیدی صورت نمی‌گیرد، بر خلاف نظر شهید صدر رحمته الله علیه، ریسک از نهاده‌های اصلی تولید شمرده شده و عرضه‌کننده آن مستحق دریافت درآمد است؛ ثانیاً ضمانت‌نامه بانکی که به وسیله فقیهان شیعه از جمله خود شهید صدر رحمته الله علیه پذیرفته و تأیید شده است، قراردادی جهت پوشش ریسک است. در قرارداد پیش‌گفته بانک برای پذیرش ضمانت می‌تواند کارمزد بگیرد و این مطلب بیانگر قیمت‌گذاری ریسک است. ثالثاً بیمه که از قراردادهای مرسوم و متداول زندگی امروز است، بر ریسک استوار بوده و حق بیمه بر اساس میزان ریسک تعیین می‌شود. از آنجا که بیمه نیز مورد تأیید فقیهان شیعه قرار گرفته است می‌توان گفت که ارزش‌گذاری ریسک از دید این بزرگواران بلامانع است. نکته جالب توجه اینکه درآمد عرضه‌کننده ریسک در فرایند تولید، اجرت ضامن در ضمانت و حق بیمه در قرارداد بیمه، هر سه تابعی از میزان ریسک موجود در این

فرایندها هستند، به این معنا که هر چه ریسک بیشتر باشد، موارد پیش‌گفته نیز افزایش می‌یابند و این همان اصل پذیرفته‌شده در علم مدیریت مالی است که «درآمد بیشتر در گرو تحمل ریسک بیشتر است».

وجه مشترک ریسک موجود در سه فرایند تولید، ضمانت و بیمه، همان ویژگی‌های ریسک مورد قبول اسلام است، به این ترتیب که ریسک موجود در هر سه مورد، ریسک مالی مفید، مولد و قابل کنترل است. با توجه به اصل پذیرش ریسک از دیدگاه اسلام و تمسک به سه مصداق پیش‌گفته می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که پذیرش ریسک مورد قبول اسلام، یعنی ریسک مفید، مالی و قابل کنترل، نه تنها جایز است بلکه فرد تحمل‌کننده آن می‌تواند در ازای تحمل ریسک بیشتر، طلب درآمد بیشتر نیز کند. درباره سرمایه‌گذاری و تصمیم‌های مربوط به ارزش‌گذاری دارایی‌های مالی نیز می‌توان همین اصل را جاری کرد، به این صورت که اگر ریسکی که سرمایه‌گذار در فرایند سرمایه‌گذاری تحمل می‌کند، ریسکی مفید، مولد و قابل کنترل باشد، پذیرش آن و کسب درآمد حاصل از آن جایز است، در غیر این صورت تحمل ریسک سرمایه‌گذاری با تردید و ابهام شرعی روبه‌رو است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله پیش‌رو ابتدا با بیان اهمیت تصمیم‌گیری، انواع وضعیت تصمیم‌گیری توضیح داده شد. تصمیم‌گیری‌ها بسته به میزان در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز در چهار وضعیت اطمینان کامل، ریسک، عدم اطمینان و ابهام صورت می‌گیرند. از آنجا که بیشتر تصمیم‌گیری‌ها در وضعیت ریسک صورت می‌گیرند، بررسی این گونه از تصمیم‌گیری تبدیل به حوزه‌ای شده که توجه مطالعه‌های متعددی را به خود معطوف ساخته است. در این میان تصمیم‌های مالی و سرمایه‌گذاری نیز که در زمره مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های فردی و سازمانی شمرده می‌شوند مورد مطالعه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. بر اساس یکی از اصول پذیرفته‌شده علم مدیریت مالی که خود از یافته‌های این مطالعه‌ها شمرده می‌شود، «درآمد بیشتر در گرو تحمل

ریسک بیشتر است». آنچه مقاله پیش‌رو در پی پاسخ‌گویی به آن است، بررسی این اصل از منظر اسلام است. بنابراین با تعریف ریسک و بیان اقسام آن به تبیین اهمیت ریسک در زندگی انسان و به‌طور ویژه در حوزه تصمیم‌گیری‌های مالی و سرمایه‌گذاری پرداختیم. در بخش بعدی مقاله با جستاری در آموزه‌های اسلامی مانند آیه‌ها و روایت‌ها و با استناد به سیره عقلا به اصل پذیرش ریسک در اسلام اشاره و بیان کردیم که از دیدگاه اسلام تصمیم‌گیری در وضعیت عدم اطمینان و تحمل ریسک و از جمله ریسک مالی مورد تأیید اسلام است. در ادامه به جست‌وجوی ریسک مورد قبول اسلام پرداختیم و تبیین کردیم که فقط ریسک مفید، مولد و قابل کنترل، ریسکی است که تحمل آن بر اساس آموزه‌های اسلامی جایز است. در بخش پایانی برای بررسی ارزش‌گذاری ریسک در فقه شیعه ابتدا به ریسک در جایگاه نهاده‌ای از نهاده‌های تولید پرداختیم و گفتیم بر خلاف نظر شهید صدر^{۱۱}، ریسک از نهاده‌های اصلی تولید شمرده شده و عرضه‌کننده آن مستحق دریافت درآمد است، سپس با اشاره به عقد ضمانت و ضمانت‌نامه‌های بانکی بیان کردیم که عده‌ای از فقیهان معاصر صدور ضمانت‌نامه بانکی برای تعهدهای مالی بنگاه‌های اقتصادی در برابر دریافت کارمزد را مشروع دانسته‌اند. این فتواها، نشان قبول ارزش مالی ریسک از نظر شرع است. سرانجام با تبیین بیمه به عنوان قراردادی که مورد قبول فقیهان شیعه است، پرداخت حق بیمه به بیمه‌گر را نوعی قیمت‌گذاری ریسک شمردیم.

با توجه به اصل پذیرش ریسک از دیدگاه اسلام و تمسک به سه مصداق پیش‌گفته می‌توان درباره سرمایه‌گذاری و تصمیم‌های مربوط به ارزش‌گذاری دارایی‌های مالی نیز اصل «تحمل ریسک بیشتر سرچشمه درآمد بیشتر» را جاری کرد، به این صورت که اگر ریسکی که سرمایه‌گذار در فرایند سرمایه‌گذاری تحمل می‌کند، ریسکی مفید، مولد و قابل کنترل باشد، پذیرش آن و کسب درآمد حاصل از آن جایز است، در غیر اینصورت تحمل ریسک سرمایه‌گذاری با تردید و ابهام شرعی روبه‌رو است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. آصفی، محمدمهدی، ۱۳۸۰ش، «بررسی سه فرع فقهی در بانکداری اسلامی»، فصلنامه فقه اهل بیت علیهم السلام، سال هفتم، ش ۲۷.
۲. احمدی قوهکی، عبدالکریم، ۱۳۸۷ش، ضمانت شخص ثالث از حسن اجرای قرارداد در حقوق ایران و فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶ش، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۹ش، مجموعه محشی قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی)، تهران: کتابخانه گنج دانش، اول.
۵. جمالی زاده، احمد، ۱۳۸۰ش، بررسی فقهی عقد بیمه، قم: بوستان کتاب، اول.
۶. حبیب احمد، طریق الله خان، ۱۳۸۷ش، مدیریت ریسک؛ بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی، ترجمه سیدمحمد مهدی موسوی بیوکی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، انتشارات سازمان بورس و اوراق بهادار، اول.
۷. حسین زاده بحرینی، محمدحسین، ۱۳۷۴ش، بررسی فقهی و اقتصادی سود تضمین شده (علی الحساب) در سیستم بانکداری بدون ربا، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی علیه السلام.
۸. خاکی، غلامرضا، ۱۳۸۴ش، شیوه نامه تدوین طرح و نقد تحقیق، تهران: انتشارات بازتاب.
۹. موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۴ش، «بیمه؛ بررسی چند مسئله»، فصلنامه فقه اهل بیت علیهم السلام، سال اول، ش ۱.
۱۰. دشتی، محمد، ۱۳۸۶ش، ترجمه نهج البلاغه، قم: هادی مجد، اول.
۱۱. دنیا، شوقی احمد، ۲۰۰۲م، نظرات اقتصادی فی القرآن الکریم، جده: البنک الاسلامی للتنمیة، اول.
۱۲. راعی، رضا و تلنگی، احمد، ۱۳۸۷ش، مدیریت سرمایه گذاری پیشرفته، تهران:

- سمت، دوم.
۱۳. راعی، رضا و سعیدی، علی، ۱۳۸۷ش، *مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک*، تهران: سمت، سوم.
۱۴. رضاییان، علی، ۱۳۸۵ش، *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: سمت، نهم.
۱۵. سویلم، سامی ابراهیم، ۱۳۸۶ش، *پوشش ریسک در مالی اسلامی*، ترجمه محمد مهدی عسکری، محمد علیزاده اصل و مهدی حاجی رستمی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، انتشارات سازمان بورس و اوراق بهادار، اول.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۱۷. صدر، سید محمد باقر، ۱۳۵۷ش، *اقتصاد ما؛ بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام*، ۲، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران: انتشارات اسلامی، دوم.
۱۸. ———، ۱۴۰۳ق، *البنک اللاریبی فی الاسلام*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، هشتم.
۱۹. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۰۹ق، *العروة الوثقی*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم.
۲۰. عرفانی، توفیق، ۱۳۷۱ش، *قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران*، تهران: انتشارات کیهان، اول.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۲. عیوضلو، حسین، ۱۳۷۵ش، «توزیع کارکردی؛ نظریه‌ای در روش اسلامی توزیع درآمد بین عوامل تولید»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام*، سال اول، ش سوم.
۲۳. فطانت، محمد، ۱۳۷۶ش، *ارزش زمانی پول از دیدگاه مدیریت مالی و فقه جعفری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، یازدهم.
۲۵. قمی، میرزا ابوالقاسم، ۱۳۷۱ش، *جامع الشتات*، تهران: انتشارات کیهان، اول.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ش، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. محدث نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۲۸. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۶ش، *سؤال و جواب*، تهران: مرکز نشر علوم

اسلامی، اول.

۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، اول.
۳۰. منتصر اسدی، فاطمه و سلیمانی، مصطفی و روحانی، مهدی، ۱۳۸۵ش، مجموعه قوانین و مقررات بیمه، تهران: معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین نهاد ریاست جمهوری، سوم.
۳۱. موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۴۱۶ق، تحریر الوسیله، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. نجفی، محمدحسن بن باقر، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی، هفتم.

33. Abrol, P. N., & Sharma, S.D, 2003, *Encyclopedic Dictionary of Financial Management*, New Delhi: Anmol Publications PVT.LTD, Vol. 03.
34. Adams, Steve, & Periton, Paul, 2009, *Fundamentals of Business Economics*, UK: Oxford.
35. Bonits, Nick, & Dragonetti, Nicola C., & Jacobsen, Kristine, & Roos, Goran, 1999, "The Knowledge Toolbox: A Review of the Tools Available to Measure and Manage Intangible Resources", *European Management Journal*, Vol. 17, No. 4.
36. Cook, Malcolm James, & Noyes, Janet M., & Masakowski, Yvonne, 2007, *Decision Making in Complex Environments*, USA: Ashgate Publishing Company.
37. Correia, Carlos, & Flynn, David, & Uliana, Enrico, & Wormald, Michael, 2007, *Financial Management*, South Africa- Cape Town: JUTA, 6th Edition.
38. Daft, Richard L., & Marcic, Dorothy, 2008, *Understanding Management*, USA: Cengage Learning, 6th Edition.
39. Durlauf, Steven, N., & Blume, Lawrence, E. 2008, *the New Palgrave Dictionary of Economics*, New York: Palgrave Macmillan, Vol. 7, 2th Edition.
40. Friedlob, G. Thomas, & Plewa, 2006, Franklin James, *Financial and Business Statements*, New York: Barron's Business Library, 3th Edition.

41. Hornboy, A, S, & Wehmeier, Sally, 2005, *Oxford Advanced Learner's Dictionary*, New York: Oxford University Press, 7th Edition.
42. Iqbal, Munwar, & Llewellyn, David T. 2002, *Islamic banking and Finance: new perspectives on profit sharing and risk*, USA: Edward Elgar Publishing, Inc.
43. Jones, Charles, p. 2002, *Investments; Analysis and Management*, New York: John Wiley & Sons, 8th Edition.
44. Lussier, Robert N. 2008, *Management Fundamentals: Concepts, Applications, Skill Development*, USA: Cengage Learning, 4th Edition.
45. Merna, Tony, & Al-Thani, Faisal F. 2008, *Corporate Risk Management*, England-West Sussex: John Wiley & Sons Ltd, 2th Edition.
46. Orford, Jim, & Sporstson, Kerry, & Ernes, Bob, & White, Clarrisa, & Mitchell, Laura, 2003, *gambling and Problem gambling in Britain*, East Sussex: Brunner-Routledge.
47. Yaghi, Abdulfattah, 2008, "Leadership values influencing decision-making: an examination of nine Islamic, Hindu, and Christian nonprofit Institutions in the USA", *South Asian Journal of Management*; Vol 15, 1.